

منع سوء استفاده از حقوق خانواده

دکتر پروین اکبرینه^۱

چکیده

با عنایت به مبانی فقهی و قانونی حقوق خانواده، ملاحظه می‌شود حقوقی که برای زوجین و یا اولاد در قانون مقرر شده است، به منظور حفظ مصالح و استحکام خانواده می‌باشد. هر چند که در برخی موارد، اجرای حق در محدوده قانونی و قراردادی برای سایر اشخاص خانواده، محدودیت و گاهی ضرر ایجاد می‌کند ولی صاحب حق در صورت اجرای حق در محدوده قانون و قرارداد و عرف، مسئول نمی‌باشد. حق برهم زدن نامزدی، حقوق ناشی از رابطه زوجیت، نظیر حق ریاست و حق طلاق زوج و یا حق والدین در تربیت و نگهداری کودک از مواردی است که در صورت سوء استفاده و اجرای نامتعارف حق و ایجاد ضرر، از موجبات ضمان بوده و در برخی موارد این حق از صاحب آن سلب می‌شود. اصل ۴۰ قانون اساسی نیز مقرر می‌کند، هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خود را وسیله اضرار دیگری قرار دهد، در قانون مدنی نیز سوء استفاده از حق منع شده است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی به تفکیک، مبانی قانونی در خصوص منع از سوء استفاده از حقوق خانواده تبیین می‌شود. نتایج حاصل از مطالعه در قانون مدنی در این موضوع، نشانگر این واقعیت است که معیارهای تشخیص سوء استفاده از حق در قانون تعیین نشده و ضروری است که در اصلاحات قانون مدنی بالاخص در روابط زوجین تئوری سوء استفاده از حق، مورد لحاظ قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی:

سوء استفاده از حق، حقوق خانواده، رابطه زوجیت، قصد اضرار، اجرای نامتعارف

مقدمه

هر چند که مبنای تنظیم روابط زوجین و رابطه آنان با فرزندان باید مبتنی بر عطف و فداکاری و عشق و علاقه متقابل باشد، ولی خانواده نیز به عنوان واحد کوچک اجتماعی نیاز به مقرراتی دارد که ضمانت اجرای مادی و قانونی داشته باشد. در راستای نیل به این هدف، در قانون مدنی، حقوق مالی و غیرمالی برای اعضاء خانواده مقرر شده است که در بعضی موارد در اجرای این حقوق سوء استفاده می‌شود، در صورتی که اجرای حق باید مقید به مبنای عرفی و اجتماعی آن باشد و اگر به ابزار قانونی برای سلطه‌گری و زورگویی تبدیل شود، باید از اعمال آن ممانعت شود. به عنوان یک قاعده کلی، اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان می‌کند که: هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خود را وسیله اضرار دیگری قرار دهد، منع از اجرای حق به صورت نامتعارف و با قصد اضرار به غیر در موضوعات مربوط به خانواده در قانون مدنی قابل بررسی می‌باشد. برخی از این حقوق نظیر برهم زدن وعده نکاح قبل از ایجاد رابطه زوجیت در صورت سوء استفاده از موجبات ضمان می‌باشد. با عنایت به اینکه عمده‌ترین حقوقی که در حوزه حقوق خانواده مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد، حقوقی است که در قانون مدنی در رابطه زوجین پیش بینی شده است، چنان که حقوق ناشی از رابطه زوجیت مثل حق ریاست و حق طلاق زوج از مواردی می‌باشد که در جامعه سوء استفاده از آن حقوق، معضلات زیادی ایجاد کرده است و همچنین در مقررات راجع به حقوق و تکالیف والدین، حقوقی نظیر حق حضانت و یا حق اذن ولی قهری به ازدواج دختر باکره مقرر شده است که در مواردی اولیاء از این حقوق سوء استفاده می‌کنند. در این مقاله برای بررسی تئوری سوء استفاده از حق در حوزه خانواده از منظر قانون مدنی، منع از سوء استفاده از حقوق مربوط به زوجین، در مباحث جداگانه قبل از انعقاد نکاح و بعد از ایجاد رابطه زوجیت مطالعه می‌شود. سوء استفاده از حق بر هم زدن نامزدی از مواردی می‌باشد که نظریه سوء استفاده از حق، در این زمینه قابل بررسی می‌باشد. در مبحث بعدی سوء استفاده از حقوق ناشی از رابطه زوجیت تبیین شده است که مشتمل بر منع از سوء استفاده از حق طلاق و حق ریاست زوج و سوء استفاده زوجه از حقوق ناشی از عقد نکاح می‌باشد. در خاتمه بحث تئوری سوء استفاده از حق در رابطه والدین و اولاد بالاخص سوء استفاده ولی قهری از حق اذن در ازدواج دختر باکره مطالعه شده است. نظر به اینکه استفاده ابزاری از حقوق قانونی در روابط اعضای خانواده، علاوه بر متلاشی کردن کانون خانواده، پیامدهای منفی در جامعه

نیز دارد و مقررات موجود برای ممانعت از سوء استفاده‌های احتمالی کفایت نمی‌کند، ضروری است با توجه به اهمیت موضوع، قلمرو تئوری سوء استفاده از حق و راهکارهای قانونی منع سوء استفاده از حقوق خانواده در قانون مدنی مشخص شود.

منع سوء استفاده از حق بر هم زدن نامزدی

به استناد ماده ۱۰۳۵ ق.م. هر یک از طرفین قبل از اجرای عقد نکاح، می‌توانند وعده نکاح را برهم بزنند، این حق در قانون شناخته شده است، لذا در صورتی که اجرای این حق منجر به ضرر مادی و معنوی طرف مقابل شود، برهم زنده وعده، ضامن نخواهد بود. در ماده ۱۰۳۶ ق.م. حق مطالبه خسارت پیش بینی شده بود که در اصلاحات قانون مدنی در حال حاضر حذف شده است، مبنای فقهی آن ماده بر اساس قاعده غرور بوده که در صورت اثبات، متضرر می‌توانسته به استناد قاعده مذکور ادعای خسارات نماید، ولی "در صورتی که غروری در بین نباشد ولو عذر موجهی برای برهم خوردن مواصلت نباشد و صرفاً ناشی از انصراف باشد، رد هدایا الزامی می‌باشد ولی مسئول خسارت نخواهد بود" (حائری، ع، ۱۳۷۶، ۸۸۷).

علیرغم حذف ماده مزبور، بنظر می‌رسد که در صورت سوء استفاده از حق، برهم زدن نامزدی تقصیر تلقی شده و نقض کننده وعده نکاح، مسئول جبران خسارات می‌باشد. قصد اضرار از مصادیق سوء استفاده می‌باشد و نداشتن علت موجه نیز می‌تواند، دلیلی بر اثبات قصد اضرار باشد. "به طور کلی کسانی که در مقام اعمال و اجرای حق خویش هستند، گاهی دیگران را در تنگنا قرار می‌دهند و ممکن است زیانهای مادی و معنوی هم برایشان وارد آورند. اصولاً در اجرای هر حقی برای صاحب آن امتیازی پیش بینی شده است و هر حقی اختیار و اقتداری برای صاحب آن ایجاد می‌کند که این اقتدار بر ضرر دیگران است در غیر این صورت، حق مفهوم خود را از دست می‌دهد و بی‌ارزش می‌شود" (قاسم زاده، م، ۱۳۹۱، www.arya.law).

بنابراین نامزدی که از نکاح منصرف می‌شود، حتی با متضرر شدن طرف مقابل مسئولیتی نخواهد داشت مگر اینکه ثابت شود، از حق خود سوء استفاده کرده باشد، "پس اباحه بر هم زدن نامزدی به عنوان قاعده عمومی منافاتی با تقصیر فسخ کننده در صورت سوء استفاده از حق ندارد و قصد اضرار و بی‌مبالاتی و تقصیر او می‌تواند مبنای مسئولیت قرار گیرد" (کاتوزیان، ن، ۱۳۷۹، ۳۹).

از لحاظ عملی نیز در صورت اقامه دعوی جبران خسارت، اثبات سوء استفاده از حق با مدعی بوده که علاوه بر اثبات وجود ضرر، به استناد قواعد عمومی راجع به مسئولیت مدنی، قصد اضرار وارد کننده زیان را نیز باید ثابت کند. بنابراین صرف امتناع از ازدواج، مبنای مسئولیت نبوده و نیازی به ارائه علت موجه از طرف برهم زنده وعده نکاح نمی باشد. بنظر برخی از حقوق دانان "هر یک از آنان حتی بدون عذر موجه نیز می تواند تن به وصلت ندهد و طرف دیگر نمی تواند او را به ازدواج مجبور نماید یا به صرف امتناع از ازدواج مطالبه خسارت نماید" (محقق داماد، م، ۱۳۸۱، ۳۴).

هر چند که با حذف ماده ۱۰۳۶ ق.م.د در خصوص مطالبه خسارت ناشی از برهم زدن وعده نکاح در قانون مدنی نصی وجود ندارد، ولی می توان به استناد نظریه سوء استفاده از حق، از برهم زنده وعده ازدواج، مطالبه خسارت کرد. ضروری است برای منع از هرگونه سوء استفاده احتمالی، قانون گذار شرایط تحقق سوء استفاده از حق برهم زدن وعده نکاح را به صراحت تعیین کند و الزام به جبران خسارت مادی و معنوی پیش بینی شود، به دلیل فرهنگ حاکم بر جامعه و اهمیت نکاح اگر بدون علت موجه، نامزدی برهم بخورد و شخص در برهم زدن علت معقولی نداشته باشد، در صورت ورود ضرر به طرف مقابل و اثبات قصد ضرر، برهم زنده وعده نکاح باید مسئول شناخته شود، به عنوان مثال علت موجه می تواند، مبتلا بودن یکی طرفین به برخی بیماریها و یا بد اخلاقی و تند خویی باشد و یا سایر مواردی که برطبق موازین عرفی به عنوان عذر موجه در برهم زدن وعده نکاح، تلقی می شود. ضروری است برای پیش گیری از سوء استفاده افراد در مواقعی که قصد اضرار وجود دارد، ضمانت قانونی تعیین شود. با بیان عواقب قانونی سوء استفاده می توان از اعمال حق به قصد اضرار ممانعت کرد، اگر ذیحق در اجرای حق خود راهی را انتخاب کند، که موجب ضرر دیگری شود، در حالی که امکان اعمال حق بدون آسیب دیدن شخص دیگر امکان پذیر باشد، در صورت متضرر شدن طرف مقابل، باید خسارات مادی و معنوی او را جبران نماید و با توجه به اینکه در قانون مدنی نص صریحی وجود ندارد در اصلاحات قانونی این خلاء باید رفع شود.

منع سوء استفاده از حقوق ناشی از رابطه زوجیت

به موجب آیات قرآنی، هر گونه سوء استفاده از حق در روابط زوجین نهی شده است در آیه شریفه الطلاقُ مرتان فامساکُ بمعروفٍ او تسریحُ باحسان (آیه ۲۲۹ سوره بقره) "عبارت لطیفی بکار رفته که امساک و تسریح با دو کلمه بمعروف و باحسان تقیید شده، اشاره باینکه نگهداری زن و بازگشت دادن او به زوجیت گاهی ممکن است برای اضرار باشد، چنانکه مردی زنش را طلاق دهد، همینکه نزدیک تمام شدن عده شد، رجوع کند باز او را طلاق دهد و مجدداً رجوع نماید که او را آزار دهد، تقیید به معروف و احسان برای جلوگیری از فسادهایی است که ممکن است در اثر سوء استفاده از حکم شرعی بروز کند، مثلاً در مورد امساک، ممکن است زن به منظور اضرار و اذیت نگه داشته شود، لذا حکم امساک با کلمه معروف تقیید شده تا از اینگونه اعمال غرضها جلوگیری شود" (طباطبایی، م، ۲۳۹، ۱۳۶۴-۲۳۰) در تمامی مواردی که استفاده از حقوق قانونی توسط زوجین نامتعارف بوده و به قصد اضرار همسر اجرا شود به حکم شارع منع شده است، "در آیه شریفه ولا تمسکوهنَّ ضیراً لیتعدوا" (آیه ۲۳۱ سوره بقره) هرگز به خاطر ضرر زدن و تعدی کردن آنها را نگه ندارید، این جمله تفسیر کلمه معروف است، زیرا در جاهلیت گاه بازگشت زناشویی را وسیله انتقام جویی قرار می‌دادند. در آیه و اتقوا الله وأعلموا ان الله.. هشدار می‌دهد که در مورد حقوق زنان از موقعیت خود سوء استفاده نکنند و بدانند که خداوند از نیات آنها آگاه است" (مکارم شیرازی، ۲۰۹، ۱۳۸۲) بنابراین قانون‌گذار باید تمهیداتی در نظر بگیرد که مانع از سوء استفاده او شود، هر چند نظریه سوء استفاده از حق به صراحت در قانون مدنی ملاحظه نمی‌شود ولی با توجه به مبانی فقهی نظریه منع از سوء استفاده، بالاخص آیات قرآنی و قواعد راجع به مسئولیت مدنی و قاعده لاضرر، ضمانت اجرایی برای جلوگیری از سوء استفاده قابل تعیین می‌باشد. به عبارتی سوء استفاده، مصداقی از تقصیر بوده و با اثبات آن، در اجرای حق محدودیت ایجاد می‌شود، چنانکه اگر زوج از حقوق خود در رابطه با همسرش نظیر حق سرپرستی و یا حق طلاق سوء استفاده کند، مقررات باید به نحوی باشد که از این شیوه اجرا ممانعت شده و زوج حقوق قانونی خود را وسیله اضرار زوجه و اولادش نکند و متقابلاً زوجه نیز به بهانه اجرای حقوقی نظیر حق طلاق ناشی از شروط ضمن عقد، زندگی خانوادگی را متلاشی نکند.

۱- منع سوء استفاده از حق ریاست زوج

مطابق مفاد ماده ۱۱۰۵ ق.م. در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است، شیوه اجرای حق ریاست زوج، اعم از اینکه خصیصه ریاست به عنوان حق و یا تکلیف مرد تلقی شود، در صورتی که در راستای اجرای وظیفه و با در نظر گرفتن شرایط و حفظ مصالح خانواده باشد، از اختیارات قانونی زوج می باشد، ولی مبنای اعطای این امتیاز به زوج، حفظ مصلحت خانواده می باشد و در صورت عدم رعایت مصلحت، از این امر ممانعت می شود. از دیدگاه فقهی نیز "سرپرستی مرد نسبت به زن خود به این معنا نیست که اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است، نافذ نباشد و به این معنا نیست که زن در حفظ حقوق فردی و اجتماعی خود و دفاع از آن و رسیدن به آن با مقدماتی که دارد مستقل نباشد، ریاست مردان در خانواده به معنای سروری و برتری نیست، بلکه مردان مسئول حفظ مصالح خانواده و انجام وظایف خانوادگی و صیانت حریم خانواده هستند، بنابراین در صورت مغایرت اشتغال با مصالح خانواده می تواند آن را منع کند" (طباطبایی، م، ۱۳۶۴، ۷۹).

خانواده به عنوان هسته مرکزی جامعه نیاز به مدیریت دارد و بنا به دلایلی این مدیریت به مرد داده شده است، ولی اجرای این امتیاز، مستلزم رعایت مصالح سایر افراد خانواده می باشد. در قانون مدنی برخی از مجاری اعمال حق ریاست، نظیر حق تعیین محل زندگی مشترک (ماده ۱۱۱۴ ق.م)، منع از اشتغال زوجه از مشاغلی که مغایر با مصالح خانواده می باشد (ماده ۱۱۱۷ ق.م)، احصاء شده است ولیکن در مواردی که اعمال این حق وسیله زورگویی و آزار و اذیت سایر افراد خانواده می شود، قانونگذار از اجرای آن جلوگیری می کند به عنوان مثال، اصل آزادی اشتغال زن بدون تبعیض جنسیتی، به موجب مقررات داخلی پذیرفته شده است. مطابق اصل ۲۸ قانون اساسی "هر کس حق دارد، شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند" (مجموعه قوانین و مقررات حقوقی، ۱۳۷۹، ۱۰۲۹)، در خصوص ماهیت خصیصه ریاست اختلاف نظر وجود دارد، عده ای بر این اعتقادند که این خصیصه، حق قانونی ناشی از زوجیت بوده و مرد در موضع رئیس خانواده می تواند، زوجه را از هر گونه اشتغالی ممانعت کند. بالاخص در مواقعی که شغل زن در سند ازدواج شرط نشده باشد و یا زوجه پس از تشکیل زندگی مشترک اشتغال داشته باشد، زوج این حق را دارد که به عنوان رئیس خانواده از کار زن ممانعت کند مگر اینکه این حق در ضمن عقد نکاح به نفع زوجه ساقط شده باشد. هرچند که عده ایی از حقوقدانان معتقدند که "ریاست حق

مرد نیست که بتوان ادعا کرد که با اعلام رضایت ساقط شده است، بقای این اختیار در زمره مسایل مربوط به نظم عمومی است و اعمال آن را قانون گذار مشخص نموده است، مثل انتخاب شغل به شرح ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی " (محقق داماد، م، ۱۳۸۲، ۲۸۷).

حق اشتغال زوجه نیز نباید در قالبی قرار گیرد که نهاد خانواده به عنوان واحد کوچک اجتماعی از پیامدهای ناگوار آزادی مطلق و نابسامانی های ناشی از آن مصون باشد و در مواردی که مصالح خانواده در امر اشتغال زن توسط او مورد لحاظ قرار نمی گیرد، قانونگذار از اجرای حق ممانعت می کند و به همین علت زوج این حق را دارد که در چنین مواردی از اشتغال زوجه ممانعت کند ولی " در صورتی که شوهر از این حق سوء استفاده کرده و زوجه را از اشتغال منع کند، بر طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، زوجه می تواند مطالبه خسارت نماید. به عنوان مثال دادگاه می تواند برای جبران صدمات مادی و روحی ناشی از محروم شدن زوجه از اشتغال و درآمد ناشی از آن شوهر را ملزم کند که معادل آن چه زن می توانست در صورت اشتغال به دست آورد به عنوان جبران خسارت به زوجه پرداخت کند (دیلمی، ا، خدادادپور، ۱۳۸۷، ۱۱۱-۱۲۶) در قانون مدنی در خصوص سوء استفاده مرد از حق اشتغال خود، در صورتی که شغل مذکور برخلاف شئون اجتماعی زن و اولاد او باشد ممانعتی نشده است. چنانکه زوج به منظور از بین بردن آبروی زوجه و به قصد اضرار معنوی و لطمه به حیثیت اجتماعی زن، شغلی مغایر با مصالح خانواده انتخاب کند هر چند که از موارد سوء استفاده می باشد، ولی راهکار قانونی برای ممانعت در قانون مدنی ملاحظه نمی شود. در سایر موارد نیز حق ریاست مرد، حق فردی نبوده که اصل حاکمیت اراده بر آن حاکم باشد، بلکه اجرای این حق مقید به معیارهای عرفی و مصالح خانودگی می باشد و در صورت سوء استفاده، از مصادیق سوء معاشرت تلقی می شود. بنابراین مرد نمی تواند " زن را از رفت و آمد متعارف با خویشان و دوستانش باز دارد، سوء استفاده مرد از اختیاراتی که به عنوان رئیس خانواده به او واگذار شده برخلاف قانون است و ممکن است از مصادیق سوء معاشرت به شمار آید" (صفایی، ح، امامی، ا، ۱۳۸۰، ۱۳۵). باتوجه به مبانی این حق، ملاحظه می شود که تخطی از مبنای عرفی و مصالح خانواده سوء استفاده تلقی شده و ضمانت اجرایی آن منع، سلب حق و یا محدودیتهای قانونی در اجرای آن می باشد، به عنوان مثال، در صورت سوء استفاده زوج از حق تعیین محل زندگی مشترک، زوجه می تواند از سکونت در آن امتناع کند و ناشزه محسوب نمی شود " مثلاً اگر شوهر منزلی دارد که پدر و مادرش در آن

سکونت دارد، زن موظف به پذیرفتن نیست، بلکه می‌تواند در خواست منزل اختصاصی بنماید، مستند نظر فقها، آیه شریفه عاشروهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ بِأَنْزَانٍ به نیکی رفتار کنید و لا تَصَاروهُنَّ می‌باشد" (محقق داماد، م، ۱۳۸۱، ۳۳۹).

۲) منع سوء استفاده از حق طلاق زوج

حق طلاق زوج نیز مبتنی به دلایل شرعی و قانونی می‌باشد ولی اجرای حق، نباید منجر به سوء استفاده و یا بلا تکلیف ماندن زوجه باشد، در مواردی که اجرای حق طلاق، به علت سوء استفاده زوج از حق، موجب تضییع حق زوجه می‌شود، قاعده لاضرر حکم اولیه را رفع می‌کند. مهمترین اثر قاعده لاضرر در این زمینه الزام زوج به طلاق توسط دادگاه می‌باشد. در برخی از مقررات، علاوه بر الزام مذکور امکان جبران خسارت نیز پیش‌بینی شده است. چنان که در لایحه حمایت از خانواده مورخ ۱۳۵۳ الزام به پرداخت مقرری نیز وجود دارد "در بین فقهای متأخر و معاصر، شیخ انصاری در ملحقات مکاسب و میرزای قمی در جامع الشتات و مرحوم سیدمحمد کاظم یزدی در ملحقات عرفه الوثقی، نسبت به امکان مراجعه زن به دادگاه در صورت اذیت و آزار زوج و یا افتادن در عسر و حرج با ادامه وضعیت زناشویی و الزام شوهر، به طلاق اظهار نظر کرده اند، از نظر مرحوم سیدکاظم یزدی این حق برای زن شناخته است که حتی در غیر مورد ترک انفاق، اگر بقای زوجیت برایش موجب ضرر و حرج باشد، دادگاه حکم جدایی را صادر کند" (مهرپور، ج، ۱۳۶، ۱۳۸۴). پرونده‌های مربوط به دعاوی طلاق، نشانگر این موضوع می‌باشد، که زوج به منظور اضرار به زوجه و در بعضی موارد نیز به منظور اخذ مبالغی و یا بذل مهریه و حقوق مالی، از حق طلاق به عنوان حربه‌ای استفاده کرده و از طلاق او استتکاف می‌کند. هرچند که در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، موارد احصا شده جنبه تمثیلی داشته و ناشی از قاعده لاضرر می‌باشد و لیکن دایره شمول آن بسیار محدود بوده و در مواردی که در عقد ازدواج شرط خاصی پیش‌بینی نشده باشد، علیرغم متضرر شدن زوجه امکان طلاق برای او مقدور نمی‌باشد. "حقی که قانون‌گذار در مورد طلاق به مرد داده است امتیاز فطری و طبیعی او نیست، اختیاری است که به دلیل حفظ مصالح خانواده به او اعطا کرده است پس اگر مرد این حق را نابجا بکار برده و محرک او در طلاق دادن امیال نامشروع و یا اضرار به زن و خانواده او باشد باید خسارات ناشی از کار خود را بپردازد، دادگاه می‌تواند با ارزیابی دلایل مرد را به جبران خسارت مادی و معنوی

زن محکوم کند و وفق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، اگر دادگاه جبران خسارات زن را منوط به جلوگیری از طلاق بداند، می‌تواند از صدور گواهی عدم امکان سازش خودداری کند" (کاتوزیان، ن، ۱۳۷۹، ۲۵۹-۲۴۸). واقعیات موجود در جامعه، بیانگر این واقعیت است که به علت حصری بودن حق مزبور، از این حق سوء استفاده می‌شود و بنظر می‌رسد که مقررات مربوط به طلاق باید طوری اصلاح شود که اختیار طلاق، از انحصار زوج خارج شود.

۳) منع سوء استفاده زوجه از حقوق ناشی از نکاح

مهمترین حقوق ناشی از زوجیت برای زن، حق مطالبه مهریه و نفقه و حق حبس و حق طلاق ناشی از شرط ضمن عقد نکاح می‌باشد که در بعضی موارد اجرای این حقوق منجر به متضرر شدن زوج می‌شود. زنی که قبل از تشکیل زندگی مشترک مهریه و نفقه خود را مطالبه می‌کند هر چند که از حق خود استفاده می‌کند ولی با این اقدام در صورت عدم تمایل زوج به تأدیه آن، موجب متزلزل شدن زندگی مشترک می‌شود و بدیهی است که با توجه به مشکلات اجتماعی ناشی از این امر، مراجع قانونی باید تمهیداتی در نظر بگیرند ولی بنظر می‌رسد تئوری سوء استفاده از حق در چنین مواردی قابل استناد نباشد. به موجب رأی وحدت رویه شماره ۸۹/۷/۲۰/۷۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: "مطابق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی تمکین از زوج تکلیف قانونی زوجه است، بنابراین در صورتی که زوجه بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع ورزد و زوج این امر را در دادگاه اثبات کند و با اخذ اجازه از دادگاه، همسر دیگری اختیار نماید، وکالت زوجه از زوج در طلاق محقق و قابل اعمال نیست علاوه بر فتاوا قاعده منع سوء استفاده از حق نیز عدم طلاق را توجیه می‌کند. زنی که از وظایف قانونی و شرعی خود در قبال همسرش استنکاف می‌کند تا همسرش را مجبور به تخلف از شروط ضمن عقد نموده، در واقع از این حق سوء استفاده می‌نماید و ضمانت اجرایی منع از این امر، عدم طلاق می‌باشد." این جلوه آشکاری از سوء استفاده از حق موضوع بند ۱۲ است و سوء استفاده از حق به تصریح اصل ۴۰ قانون اساسی منع شده است. منع از سوء استفاده که با توجه به شأن نزول آن ریشه در قاعده فقهی لاضرر دارد نه تنها متضمن یک منع صرفاً اخلاقی یا یک اخبار محض نیست؛ بلکه یک انشاء نیز هست. به این معنا که حاکمیت باید ترتیبی اتخاذ کند تا هیچ کسی نتواند از حقی سوء استفاده کند و لازمه چنین ترتیبی در مانحن فیه این است که زوجه متخلف موضوع این پرونده را که مضافاً در صد

و طرح سوء استفاده از حق موضوع بند ۱۲ بوده، مجاز به مطلقه نمودن خود به وکالت از سوی مرد نداند" (مقصودی، ر، ۱۳۹۱، نقدی بر نقد، www.rahemaghsoud.com).

منع سوء استفاده از حق در رابطه با اولاد

مهمترین حقوقی که در قانون برای والدین در ارتباط با فرزندشان معین شده است، حق حضانت و تربیت اولاد می باشد به موجب ماده ۱۱۶۷ ق.م نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است، به عبارتی حضانت طفل هم حق و هم تعهد قانونی پدر و مادر بوده و "بایستی اختیار خود را به مصلحت طفل بکار برندولی نگاهداری حق آنان نیز است و نمی توان آنان را از این اختیار محروم ساخت بایستی یک امر ضرورت باشد تا بتوان این اختیار را به دیگری واگذار کرد" (کاتوزیان، ن، ۱۳۳۲، ۱۳۷۵) یکی از این موارد ضروری که این حق قابل سلب می باشد، موردی است که از حق تربیت و یا حضانت توسط والدین سوء استفاده می شود. والدین نمی توانند به استناد این حق از تحصیل و تربیت فرزند ممانعت کرده و از او به عنوان منبع درآمد استفاده نمایند. در قوانین ایران سعی شده است جلوی سوءاستفاده های احتمالی گرفته شود. قانون مدنی به صورت مطلق به حضانت کودک از ناحیه پدر قابل نیست. همانطور که در ماده ۱۱۷۳ ق.م آمده است و در بعضی مصوبات و قوانینی که از سوی مرجع قضایی یا قانونگذاری تعیین و اعلام شده، جلوی سوءاستفاده های احتمالی از حق حضانت گرفته شده است.

مهمترین حقوق غیرمالی که در رابطه با فرزندان برای پدر و مادر پیش بینی شده است، تربیت اولاد و حق حضانت و حق ولی قهری در ازدواج دختر باکره است، اختیارات قانونی والدین نسبت به اولاد مطلق نیست و مقید به رعایت مصلحت فرزند است "هر جا که از این حق سوء استفاده شود دادگاه می تواند از این امر جلوگیری کند برای مثال اگر پدر با ازدواج دختر بالغ خود به بهانه های نامشروع مخالفت کند، دادگاه می تواند آن را اجازه دهد در سایر موارد هر گاه ثابت شود که اقدام او به قصد آزار کودک یا انتقام جویی از همسر خویش است دادگاه باید از این سوءاستفاده جلوگیری کند" (کاتوزیان، ن، ۱۳۷۵، ۱۳۸) این حق در ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی مقرر شده است که "نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر و یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه او ساقط می شود. با ملاحظه مبانی شرعی این قانون مشاهده می شود که ولایت پدر در این خصوص مقید به رعایت

مصلحت دختر می‌باشد و در صورت سوء استفاده از این حق این اختیار ساقط می‌شود و دختر در نکاح استقلال خواهد داشت" کسانی از فقها که اجازه ولی را در نکاح دختر باکره و رشید و بالغه، لازم می‌دانند برآنند که چنانچه زن مایل بر ازدواج با مردی باشد که شرعاً و عرفاً کفو او است و ولی قهری اجازه نمی‌دهد و دختر احتیاج به ازدواج دارد اذن ولی لازم نیست" (امامی، ح، ۳۵۰، ۱۳۸۳).

بنابراین دختر می‌تواند، در صورت عدم اذن بدون دلیل شرعی و قانونی پدر و یا جد پدری، با اقامه دعوی در دادگاه خانواده به طرفیت ولی قهری، به استناد ماده ۱۰۴۳ق.م بدون تحصیل اجازه ولی قهری با معرفی کامل مردی که می‌خواهد، اجازه ازدواج از دادگاه تحصیل نماید. به عبارتی اگر ولی قهری بدون علت موجه و با سوءاستفاده از این حق با ازدواج دختر مخالفت کند، ولایت ولی قهری در این خصوص ساقط می‌شود، هر چند که این اقدام بر خلاف موازین عرفی می‌باشد، ولی راهکار قانونی مقابله با سوء استفاده ولی قهری از حق اذن، تحصیل حکم از دادگاه می‌باشد.

نتیجه و پیشنهاد

- ۱- تحقیق در مشکلات مربوط به خانواده، بالاخص بررسی پرونده‌های اختلافات خانوادگی، بیانگر این واقعیت اجتماعی است که حقوق مالی و غیرمالی زوجین در رابطه با یکدیگر در مواردی که توافق اخلاقی وجود ندارد به عنوان حربه‌ای برای اضرار دیگری استفاده می‌شود. استفاده از حقوق قانونی به قصد اضرار به سایر اعضای خانواده، سوء استفاده تلقی می‌شود و در قانون مدنی نیز مکانیسم‌هایی پیش بینی شده است که از سوء استفاده احتمالی ممانعت می‌کند.
- ۲- برخی از افراد خانواده بالاخص زوج، به منظور سلطه جویی و اذیت زوجه و اولاد خود از حقوق قانونی خود مانند حق ریاست و حق طلاق استفاده ابزاری می‌کنند، در مواردی که اجرای حق خارج از مصلحت خانواده و به قصد سلطه جویی بعمل آید، باید راهکارهای قانونی مقابله با آن پیش بینی شود.
- ۳- در قانون مدنی صراحتی در خصوص منع از سوء استفاده از حقوق خانواده مشاهده نمی‌شود ولی ضروری است، در اصلاحات بعدی محدودیتهای اجرای حق مشخص شود. در تمامی مواردی که استفاده از حقوق قانونی توسط زوجین نامتعارف بوده و به

قصداً ضرر همسر اجرا شود قانون گذار باید تمهیداتی در نظر بگیرد که مانع از سوءاستفاده او شود.

۴- برای منع از هرگونه سوء استفاده احتمالی، قانون گذار شرایط تحقق سوء استفاده از حقوق خانواده را به صراحت تعیین کرده و الزام به جبران خسارت مادی و معنوی پیش بینی شود.

منابع:

- قرآن کریم
- امامی، سید حسن (۱۳۷۸)، حقوق مدنی، جلد ۵ چاپ ۱۳، کتابفروشی اسلامیة ص ۲۰۹
- بازگیر، یدالله (۱۳۷۷)، آرا دیوان عالی کشور در امور حقوقی، جلد ۳، چاپ اول، انتشارات ققنوس، ص ۱۳۴
- جهانگیر، منصور (۱۳۸۵)، مجموعه قوانین و مقررات حقوقی، نشر دوران، چاپ یازدهم، ص ۱۰۲۱
- حائری شاه باغ، سیدعلی (۱۳۷۶)، شرح قانون مدنی، جلد دوم، تهران، نشر گنج، چاپ اول ص ۸۸۷
- صفایی، سیدحسین، امامی، سیداسدالله (۱۳۸۰)، مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر دادگستر، چاپ ۴، ص ۱۲۵ و ۸۵
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۴)، تفسیرالمیزان، جلد ۲، بنیاد علمی و فکری علامه، تهران، چاپ دوم ص ۲۳۹ و ۲۰۹
- قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۸)، ره پیک، کیایی، عبدالله، تفسیر قانون مدنی، اسناد، آراء، اندیشه‌های حقوقی، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم، ص ۳۹۲ و ۳۶۱ و ۳۷
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ هیجدهم، ص ۶۶۷
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، حقوق خانواده، جلد اول، تهران، نشر انتشار، چاپ هفتم، ص ۳۹
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵)، حقوق خانواده، جلد دوم، نشر انتشار، چاپ چهارم، ص ۱۳۸-۱۳۲
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، چاپ اول، نشر دادگستر، ص ۲۵۹
- کمالان، سیدمهدی (۱۳۸۷)، محشای مجموعه قوانین و مقررات ازدواج و طلاق، چاپ دوم، انتشارات کمالان، ص ۴۱۳
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۱)، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ نهم، صص ۳۱۱-۳۱۰-۳۳۹ .
- مکارم شیرازی (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، جلد اول، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۱۳، ص ۲۰۹
- مهرپور، حسین (۱۳۸۴)، مباحثی از حقوق زن، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ص ۱۴۰ و ص ۱۳، ۷۲.
- قاسم زاده، م (۱۳۷۸)، مفهوم غیرقانونی بودن یا ناهنجاری فعل زیان بار در مسئولیت مدنی، دیدگاه‌های حقوقی شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۸۳-۱۱۴
- دیلمی، احمد، خدادادپور، منیره (۱۳۸۷)، سوء استفاده از حق ریاست شوهر در منع اشتغال همسر، مطالعات زنان، شماره ۱۷، صص ۱۱۱-۱۲۶
- افضلی، فرحناز، بررسی قاعده لاضرر و لاجرح در طلاق به درخواست زوجه، تاریخ بازدید

-
- ازدواج مجدد زوج با اذن دادگاه و ایجاد حق طلاق برای زن دسامبر ۲۰۱۱،
estekhdam.bloglor.com
 - بررسی رویکرد رادیوهای خارجی نسبت به مسائل زنان ایرانی، دسامبر ۲۰۱۱،
www.estekhdam.com
 - رای وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۸۹/۷/۲۰/۷۱۶،
www.rooznamehrasmi.com
 - علوی قزوینی، سیدعلی، طلاق قضایی گامی موثر در احقاق حقوق زن، تاریخ بازدید
www.alqaza.com، ۹۰/۱۱/۲۲
 - مسئولیت مدنی در روابط زوجین، مطالعه تطبیقی در برخی از کشورهای اروپایی و اسلامی،
خدادادپور، منیره، تاریخ بازدید ۱۳۹۱،
www.women.gov.ir
 - مقصودی، رضا (۱۳۹۱)، نقدی بر نقد،
www.rahemagsoud.ir